

دیپلماسی پایدار؛ راهبردی مؤثر برای درک مذاکرات بین‌المللی زیست محیطی

سیحان طیبی¹

چکیده

یکی از مباحث بسیار مهم جهانی، دیپلماسی محیط زیست و تأثیر آن بر تعاملات بین‌المللی و صلح جهانی است. در این راستا دیپلماسی به‌عنوان یک ابزار کاربردی و تسهیل‌گر در روابط بین‌الملل است که هدف غایی آن صلح و آرامش است. در همین راستا با اینکه تفاوتی بین حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط زیست قائل هستیم، حقوق بین‌الملل محیط زیست لازم است که با جهان پیرامونی که دائم در حال تغییر است سازش یابد. این در حالی است که پیوند حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط زیست ناگسستگی است و یکی از نقاط پیوند همانا دیپلماسی محیط زیست است. از این رو تعاملات بین‌المللی زمینه‌ساز روند بروز و ظهور دیپلماسی در جریان کنفرانس‌های بین‌المللی است. در این مسیر روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز متأثر از فرایند دیپلماسی می‌باشد و بایستی بر این مهم اذعان داشته باشیم که تنها راه برون رفت از مخاطرات و نابسامانی‌های زیست محیطی، دیپلماسی محیط زیست در پرتو همکاری‌های بین‌المللی است. تعاملات بین‌المللی شمال و جنوب در چارچوب دیپلماسی فعال به نوعی درک ژئوپلیتیکی از مذاکرات بین‌المللی محیط زیست محسوب می‌شود. این پژوهش در صدد است تا الگوی چارچوبی تعاملات بین‌المللی در بستر دیپلماسی محیط زیست را تبیین نماید.

واژگان کلیدی: دیپلماسی محیط زیست، مذاکرات بین‌المللی، درک ژئوپلیتیکی، جهان سبز، الگوی چارچوبی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی - سال پنجم - شماره بیست و یکم - زمستان 95 - صص 89-69

تاریخ دریافت مقاله: 95/4/14 تاریخ پذیرش مقاله: 95/10/19

1. پژوهشگر حقوق بین‌الملل و دکتری حقوق محیط زیست، گروه حقوق محیط زیست، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران (sobhantayebi@yahoo.com)

مقدمه

بحث محیط زیست و حقوق محیط زیست اگر چه فی نفسه شاخه‌ای از حقوق داخلی است، اما در عصر حاضر به سبب پیشرفت صنعت و فناوری که باعث به وجود آمدن مسائل زیست محیطی و آلودگی‌های فراوان شده، به مسئله فراملی، فرامرزی و بین‌المللی تبدیل شده است، بدین سبب امروزه محیط زیست و حفاظت از محیط زیست حوزه نسبتاً نوینی برای مقررات بین‌المللی به شمار می‌آید. بدین ترتیب محیط زیست یکی از کلیدی‌ترین مباحث قرن حاضر است که بحران کوچکی در ابعاد محلی آن می‌تواند فوراً به یک مسئله جهانی تبدیل شود (مجبایی، 1392: 1). بنابراین عدم توجه به محیط زیست برای دولت‌ها فاجعه و یا حتی سقوط آنها را در پی خواهد داشت. از این رو توجه جامعه جهانی بایستی بیش از پیش به چارچوب‌های مقرر جلب گردد که از جمله این چارچوب‌ها «دیپلماسی محیط زیست» است. دیپلماسی محیط‌زیست در واقع چارچوب نظام یافته در رعایت حفظ محیط‌زیست در اثر همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با حفظ احترام به تعهدات مشترک بین‌المللی و قواعد الزام آور در جهت تحقق ثبات صلح جهانی است (طیبی، 1395: 23). در این چارچوب نظام یافته اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، هر کدام به صورت مجزا تحت تأثیر قرار گرفته و این جایگاه واقعی به یقین در مسیر دیپلماسی تحقق یافته است. دیپلماسی محیط زیست یکی از موضوعات اصلی و کارآمد برای تعامل کشورها و نهایتاً تعامل شهروندان و عمیق‌تر شدن صلح و دوستی است. دیپلماسی محیط‌زیست در واقع روایت درک ژئوپلتیکی از مذاکرات توافقنامه‌های بین‌المللی زیست محیطی است که زمینه مساعد جهت هدایت و روشن ساختن بهبود سیستم فعلی را فراهم می‌کند (طیبی، 1395: 11). موافقتنامه‌های بین‌المللی زیست محیطی به صورت تصاعدی در پنج دهه گذشته افزایش یافته است. با این حال، تصمیم‌گیری در خصوص مسائل کلیدی مانند از دست رفتن تنوع زیستی، تغییرات اقلیمی، تخریب لایه ازن، حمل و نقل زباله‌های خطرناک و دیگر چالش‌های سیاره‌ای، نیازمند پایبندی کشورها به هنجارهای

بین‌المللی است.

در بیش از 20 سال گذشته واژه «دیپلماسی محیط‌زیست» در مباحث علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، سه حوزه کلیدی پژوهشی را در برداشته که به‌طور خلاصه در ادامه بیان می‌گردد:

1. امنیت زیست محیطی: این متون پس از دوران جنگ سرد، در جایی که کمیابی منابع به‌عنوان عامل بالقوه ایجاد درگیری‌های خشونت‌آمیز قلمداد می‌گردیدند، پدیدار شدند، و در نتیجه نیازمند روش‌های مداخلات دیپلماتیک است.

- اداره محیط زیست جهانی: تحلیل‌های سازمانی بر این حوزه از تحقیق احاطه دارند تا محرک‌های کلیدی رفتار سازمان‌ها را که شالوده‌های بین‌المللی را به‌ویژه در سیستم سازمان ملل متحد داراست، درک کنند.

- استقرار صلح زیست محیطی: پتانسیل‌های مشتق از مسائل محیط‌زیستی در تأمین فعالانه صلح در درگیری وضعیت‌های مناقشات یا کمک به روند بهبودی در مرحله آشتی پس از درگیری، منبع تحقیق برای ظهور این حوزه از مباحث بوده است. (طیبه، 1395: 253)

از این رو دیپلماسی محیط‌زیست سنگ بنای استانداردهای زیست محیطی در حوزه‌های مختلف بوده و به‌عنوان ابزاری پیش برنده محسوب می‌شود. با اشاره به این مهم می‌توانیم با اطمینان بیشتر به موضوعات پیش رو بپردازیم.

1. مفهوم‌شناسی

برای رسیدن به یک نظر جامع از مسیر نقطه نظرات مشابه و متفاوت، بایستی همکاری و هماهنگی وجود داشته باشد. برپایی کنفرانس‌ها، اجلاس‌ها و نشست‌ها به‌خاطر رسیدن به نقطه نظر مشترک و تصمیم‌سازی در خصوص مسائل بسیار مهم برای شهروندان جهانی است. در این راستا نیازمند ابزارهای نسبتاً دقیق و قوی هستیم تا بتوان جهت‌دهی مناسبی نسبت به این برنامه‌های بین‌المللی داشت. این زمینه بایستی در قالب همکاری‌های مؤثر و تعاملات بین‌المللی با امعان نظر به فضای آرام و به دور از تنش‌های انفعالی انجام پذیرد. این رخدادهای بین‌المللی زمانی پر اهمیت می‌شود که موضوع مهمی مانند محیط زیست و بحث حفاظت از آن و بحث حیات زیست کره در دستور کار باشد. از این رو آن چارچوبی را که نظام بخش تمامی مراحل شکل‌گیری یک اجلاس یا کنفرانس بین‌المللی

چه در مرحله مقدماتی، چه در مرحله برگزاری اجلاس و چه در زمان بعد از آن جهت اجرایی کردن خروجی های اجلاس در دستور کار قرار دارد را فرآیند دیپلماسی و در خصوص محیط زیست دیپلماسی محیط زیست می نامند.

هدف اصلی دیپلماسی بین المللی محیط زیست، برانگیختن همکاری بین المللی به منظور تولید موافقتنامه ها و سایر اسناد بین المللی در خصوص مسائل زیست محیطی است. در این فرایند، تفاوت ها می تواند نقطه آغاز و اصول پیشگیرانه به منظور اقدام برای حفاظت از محیط زیست اعمال گردد. دیپلماسی بین المللی محیط زیست همچنین به منظور توسعه استانداردها، از طریق معاهدات و ابزار قوانین نرم استفاده می کند تا از روند تحقق توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست در تمام سطوح اطمینان حاصل کند. در این راستا دیپلماسی بین المللی محیط زیست به منظور هدایت مذاکرات میان کشورها در کنفرانس ها و جلسات، رایزنی های دیپلماتیک، و تعامل بین دولت صورت می گیرد.

2. روش شناسی

خروجی کنفرانس ها، اجلاس ها و نشست های بین المللی همانا اسناد بین المللی شامل کنوانسیون ها، پروتکل ها، اعلامیه ها و منشور هایی است که تابعان حقوق بین الملل الزام به رعایت آن دارند. این اسناد زمانی که شکل عملی به خود گرفته و فرآیند معاهداتی خود را طی می نمایند و در پر تو آیین اجرا قرار می گیرند که منابع مؤثر و مسلم مطالعاتی محسوب می شوند. از این رو تمامی این اسناد در ورطه پژوهشی و علمی مد نظر صاحبان قلم و متخصصین قرار گرفته و بررسی می گردند. با این وصف و مطابق این اسناد در روند اجرا زمینه های همکاری میسر می گردد. در این راستا ساز کارهای قانونی در بستر قواعد و قوانین، همواره زمینه ساز رویکرد قاعده مند همکاری ها در سطوح مختلف منطقه ای، بین المللی و جهانی است. از این رو در چارچوب قواعد معاهداتی و بین المللی مجموعه شاخصه های ضابطه مند مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته و زمینه و بسترهای قانونی جوامع شکل می گیرد. در این راستا و بر اساس نقش های مختلف و چارچوب گرایی، قواعد نرم یا قواعد غیرالزام آور و قواعد سخت یا همان قواعد آمره شکل می گیرد. این مهم در تمامی زمینه ها به خصوص زمینه مطالعاتی ما در حوزه محیط زیست هم وجود دارد. شکل بررسی این اسناد در حوزه حقوق محیط زیست توصیفی - تحلیلی بوده و شرح و بسط این مهم در واقع تفسیر و یا روایتی از روند موفق دیپلماسی بین المللی محیط زیست است.

3. آسیب‌شناسی ساختارها

در این پژوهش به نوعی تبیین روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست در پرتو دیپلماسی محیط زیست مد نظر است. دیپلماسی محیط زیست همواره چارچوبی بنیادین برای تحقق تحول و توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست بوده است. اگرچه این تحول ناشی از موجودیت قانونی و هنجاری نرم و سخت بوده اما رویه قضایی نیز نقش به‌سزایی در توسعه روند حقوق بین‌الملل محیط زیست داشته است (طیبی، 1394: 1). اما آنچه که ذهن ما را بیش از پیش درگیر خود ساخته این است که توسعه تا چه حد توانسته مشکلات زیست محیطی جهانی را مرتفع سازد؟ طبیعتاً این سؤال و سؤالات دیگر زمینه‌ساز این مسئله خواهد بود که این توسعه در حالت چارچوبی روند خوبی داشته و مجموعه معاهدات بین‌المللی زیست محیطی سریعاً به ذهن متبادر خواهد شد. هر چند در جهت تبیین دیپلماسی محیط زیست و تأکید بر اهمیت وجودی آن جای شک و شبهه‌ای باقی نیست و به نظر تنها راه نجات از برون رفت مخاطرات زیست محیطی جهانی است. اما میزان موفقیت در شکل‌گیری و اجرای معاهدات نیز اهمیت کار را دو چندان می‌سازد.

در این راستا پروفسور ساسکیند در کتاب خود تحت عنوان «دیپلماسی محیط زیست: مذاکرات مؤثرتر بر موافقت‌نامه‌های جهانی»، ابراز داشته براساس بررسی دقیق و کوشش‌های انجام شده در انعقاد 15 معاهده زیست محیطی مهم که اوج آنها در «نشست زمین» ریو بود، چهار نقص آیینی زیر به‌عنوان علت بیشتر شکست‌های مذاکرات زیست محیطی جهانی تشخیص داده شده‌اند.

1. آیین‌های نمایندگی و رأی‌گیری، رفتار منصفانه همه کشورها و ذی‌نفعان را تضمین نمی‌نمایند؛

- ملاحظات سیاسی و علمی برای حصول اطمینان از انعقاد خردمندانه‌ترین توافقات به توازن نرسیده‌اند؛

- پیوند میان نگرانی‌های زیست محیطی و موضوعات سیاست‌گذاری به ندرت مورد بررسی قرار گرفته یا تبیین شده‌اند؛ و

- نظارت مؤثر و ترتیبات اجرایی، در نظر گرفته نشده‌اند (Susskind, 2015: 7).

این نقص‌ها تا حدودی در سایر انواع مذاکرات چندجانبه بین‌المللی نیز مشهود می‌باشند. این مهم را می‌توان از مطالعه روند شکل‌گیری معاهدات بین‌المللی در جریان

برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی درک کرد. این روند قطعاً دچار اختلالاتی است که نتایج مطلوبی به همراه ندارد و خروجی‌های اجلاس‌های جهانی کاملاً گره‌گشا نیستند. این روایت چیزی جز وجود موانع جدی بر سر راه مشارکت جهانی نیست. موانع تحقق دیپلماسی محیط زیست را می‌توان مربوط به شکاف فزاینده بین کشورهای توسعه یافته شمال و کشورهای در حال توسعه جنوب می‌دانست. دومین مورد مقاومت خیره سرانه حاکمیت ملی به عنوان یک هدف مهم از نوع خود است. سومین مورد، فقدان انگیزه کافی برخی دولت‌ها در انجام مذاکرات دسته جمعی برای بحث‌های جدی در مورد ماهیت معاهدات زیست‌محیطی جهانی و چالش‌های توسعه پایدار است (Susskind, 2015: 11).

بنابراین زمانی که مشارکت جهانی شکل کارآمدی نداشته باشد قطعاً سیستم اداره محیط زیست جهانی با مشکل روبرو خواهد بود. در این راستا پنج عامل را که مانع از اجرای سیستم اداره محیط زیست جهانی می‌شوند پیشنهاد شده است:

1. مدل قدیمی پیشرفت: تکیه بر مصرف و استخراج در راستای رشد، خسارات جبران‌ناپذیری بر سرمایه‌های طبیعی دارد.
 - نمونه اخلاقی قدیمی: دانش برای درک مشکلات زیست‌محیطی مهم است، اما به تنهایی محرک فعالی نیست. کمبود زمینه‌های اخلاقی برای تلاش‌های جهانی دسته جمعی و بهم پیوسته در نظارت زیست‌محیطی وجود دارد.
 - قطع کردن سیاست اجرایی: با ایستادگی کردن مخالفت‌ها درباره هنجارهای واقعی و رویه‌ای، سازکارهای محرک و ناکافی، ظرفیت کم، و نبودن قدرت، تصمیمات صاحبان قدرت را به همراه دارد که موجب فاصله‌ای بین ساختار در حال رشد سیاست‌ها و کاهش اجرایی شده است.
 - چند پارگی: نبود اهداف مشخص، بصیرت متداول، و ارتباطی اثرگذار و هماهنگ که منجر به سازمان‌های چندگانه، توافقات، و ابزارهایی برای حفاظت از محیط زیست جهانی و سیستم چندپاره بسیاری شده است.
 - نبود جواب‌گویی: امضاکننده‌های توافقات چندجانبه زیست‌محیطی می‌توانند با مصونیت بندها را نقض کنند. نبود استانداردهای اجرای منسجم در ارزیابی کردن اجرا یکی دیگر از این مشکلات است که با آن مواجه می‌شویم (Ivanova, 2012: 5).
- با این توصیف هر آنچه تا به حال بیان گردید ناشی از ظرفیت‌های ناکافی در مسیر

توسعه دیپلماسی بوده است. در این مجال ما نمی‌توانیم چیزی جز واقعیت را در دستور کار خود داشته باشیم و لاجرم بایستی آسیب‌شناسی ساختاری را مطمح نظر قرار دهیم. مشارکت جهانی در پرتو تعاملات بین‌المللی همواره به‌عنوان فرآیندی اثر بخش در بسط و توسعه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قلمداد شده است. محیط زیست و حفاظت از آن که تمام ابعاد فوق را در بر می‌گیرد با جدیت هرچه تمام‌تر نیازمند عزم و مشارکت جهانی در جهت تحقق حفظ زیست کره است و این مهم میسر نخواهد شد مگر آنکه چشم‌انداز جهانی محیط زیست در دستور کار باشد. در سال 2012 توجه به این دستور کار بسیار مهم منجر به بررسی حدود 90 مورد از توافقات بین‌المللی زیست محیطی شد و اطلاعات مهم زیر رؤیت گردید (Vidal 2012: 1):

1. «تعدادی» از پیشرفت‌ها تنها در 40 مورد از اهداف نشان داده شده بودند که شامل گسترش مناطق حفاظت شده مانند پارک‌های ملی و و تلاش‌هایی در راستای کاهش جنگل‌زدایی بوده است.
 - «تعداد خیلی کمی یا هیچ» پیشرفتی در 24 مورد کشف شده بود، که شامل تغییرات آب و هوایی، ذخایر ماهی، بیان‌زدایی و خشکسالی بوده است.
 - «تصمیم بعدی» برای هشت مورد که شامل کیفیت سواحل مرجانی دنیا اعلام شده بود، و هیچ اطلاعاتی برای موارد دیگر در دسترس نبود (طیبی، 1395: 256).
- در این راستا به نظر می‌رسد دیپلماسی محیط زیست در روند ایجاد دقیق عمل کرده و نشانه بارز آن وجود کنوانسیون‌ها و دیگر اسناد مهم بین‌المللی است. اما در مرحله اجرا به دلیل عدم موازنه قدرت شمال و جنوب و وجود تنش‌هایی در مناطق توسعه نیافته و منفعت‌طلبی‌های حاکمیتی، دیپلماسی محیط زیست دچار اختلالاتی می‌باشد. این مسئله را نایستی فراموش کنیم که نگاه دقیق و منتقدانه ما را به این سمت رهنمون می‌سازد که نسبت به دیپلماسی‌های موفق و ناموفق قائل به تفکیک باشیم.

4. آسیب‌شناسی حقوقی و مدیریتی

آگاهی‌رسانی عمومی و مشارکت مردم به‌ویژه نهادهای غیردولتی امروزه به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی و کلیدی در خصوص حفاظت از محیط زیست مطرح است. جلب مشارکت مردم از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی به دست می‌آید. این مقوله توجه عموم را به محیط زیست پیرامون جلب می‌نماید و زمینه‌ای برای قانون‌مداری زیست محیطی ایجاد

می‌کند. این یک مسئله عادی نیست بلکه در معاهدات بین‌المللی حق بر آگاهی مد نظر واقع گردیده است. در این راستا معاهدات بین‌المللی بسیار مهم اصول راهبردی صوفیا مصوب 1995 و دو کنوانسیون بین‌المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط زیست مصوب 1998 دانمارک و کنوانسیون بین‌المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی مصوب 1998 وجود دارد (ملکی اصل، 1393:70).

1. در این راستا به موجب ماده دو (اصول راهبردی صوفیا)، کلیه افراد حقیقی و حقوقی، باید بتوانند بدون توجه به رابطه شهروندی، ملیت، محل اقامت و بدون آن که موظف به اثبات داشتن نفع حقوقی باشند، آزادانه به اطلاعات زیست‌محیطی که تقاضا نموده‌اند، دسترسی یابند، بدین ترتیب، به موجب این اصل، دولت‌ها نمی‌توانند با استناد به ملیت افراد، از ارائه اطلاعات مربوط به مسائل محیط زیستی به متقاضیان استنکاف نمایند. همچنین دولت‌ها باید اسناد ملی و بین‌المللی مربوط به محیط زیست، مانند راهبردها، برنامه‌ها و همچنین، گزارشات مربوط به نحوه اجرای آنها را به اطلاع همگان برسانند. کنوانسیون بین‌المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی مصوب 1998 نیز بر دو مبنای دسترسی عموم به اطلاعات محیط زیستی و امکان مشارکت عمومی در اتخاذ تصمیمات مربوط به محیط زیست شکل گرفته است. در این راستا هر چند بر اهمیت موضوع پیش رو تأکید گردیده، اما یکی از خلأهای مهم در تحقق روند دیپلماسی عمومی محیط زیست، عدم تحقق حق آگاهی‌های زیست‌محیطی است. هر چند خلأ پیش رو تا حدی با وجود سازمان‌های مردم‌نهاد مرتفع گردیده، اما هنوز این مسئله به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته دچار مشکل است. از این رو می‌توانیم بیان کنیم که دیپلماسی محیط زیست در سطح ملی و منطقه‌ای دچار اختلال است و موفق عمل نکرده است.

2. تمامی کنوانسیون‌ها و معاهدات و پروتکل‌های بین‌المللی محیط زیستی بسترگاه قانونی تحت قواعد نرم و قواعد سخت و قابل اجرا تحت تعهدات مشترک بین‌المللی است. ما شاید در سطح بین‌المللی نیازمند صلاح قواعد محیط زیستی نباشیم چرا که در این زمینه بیشترین قواعد را دارا هستیم. به نظر می‌رسد ما در زمینه اجرای معاهدات در سطوح منطقه‌ای و ملی دچار اشکال هستیم. علت این امر هم نبود تعاملات صحیح در سطوح منطقه‌ای و نبود همگرایی مثبت در سطوح ملی است. این مطلب نافی عملکرد موفق

دیپلماسی بین‌المللی محیط زیست نیست بلکه به نوعی آسیب‌شناسی حقوقی و مدیریتی هست که در سایه آن بتوان راهبرد دیپلماسی محیط زیست را تحکیم بخشید.³ وجود اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط زیست از نشانه‌های بارز موفقیت دیپلماسی محیط زیست در روند توسعه این شاخه بوده است. همین موفقیت هست که این فرآیند را به‌طرف حقوق بین‌الملل توسعه پایدار سمت و سو داده است. توسعه عالی پایدار نیز یک زمینه وسیع و موفق ناشی از دیپلماسی محیط زیست است. در همین راستا وجود آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی است که زمینه‌های فعال دیپلماسی محیط زیست را در برخی از آنها شاهد هستیم و به نظر می‌رسد این روند توفیقات بیشتری را برای جامعه بین‌المللی به همراه خواهد داشت.

5. الگوی چارچوبی و راهبردی برای دیپلماسی محیط زیست

با نگاهی وسیع به چارچوب دیپلماسی محیط زیست و تأثیر آن بر تعاملات بین‌المللی و صلح جهانی و تدقیق در رهیافت آسیب‌شناسی ساختاری این مسئله، ارائه راهبردهایی در جهت رفع آسیب‌ها ضروری می‌نماید:



شکل 1. الگوی چارچوبی دیپلماسی محیط زیست (طیعی، 1395: 258)

5-1. راهبرد اول: ایجاد اتحاد نامتمرکز

راهبرد پیش رو در بستر مساعدت و همکاری کشورهای منطقه‌ای تحقق می‌یابد. کشورهای با علایق زیست‌محیطی مشترک همواره می‌توانند در مذاکرات سازمان‌های منطقه‌ای خود شرکت نموده و در جهت کشف علایق مشترک، تقسیم اطلاعات تکنیکی، و تحلیل متناوب استراتژی با یکدیگر همکاری نمایند. چنین گروه‌هایی به مساعدت و دلگرمی از طرف نمایندگان بی‌طرف نیاز دارند. برای بیشتر قسمت‌ها، گروه‌ها باید بر اساس منطقه‌ای سازماندهی شوند؛ تا ملت‌هایی که مرزهای مشترک دارند یا تکیه بر منابع مشترک دارند نشست منظمی داشته باشند. در موقعیت‌های دیگر، کشورهایی با علایق مشترک و بدون هیچ هم‌مرزی باید برای تغییر اطلاعات و گفتگو بر سر احتمالات در کار کردن با یکدیگر و مدیریت منابع تشویق شوند. نکته چنین نشست‌هایی ایجاد پیوستگی، شامل اتحادی است که از وسط مرزهای شمال-جنوب رد می‌شود (Susskind, 2015: 160).

5-2. راهبرد دوم: فراهم کردن پیش‌مذاکره و کمک فنی به کشورهای مستقل

تنها تعداد معدودی از کشورها در پیشرفت فنی و چشم‌اندازهای غیر رسمی از نظر سیاسی در هر موضوع جهانی که به وجود می‌آید منابع مورد نیاز را دارند. اطلاعاتی معمولی و توصیه‌های راهبردی اصلاً در دسترس کشورهای بی‌توانی که به آنها نیاز دارند نیستند. نکته قابل ذکر این است که کشورها بایستی در دسترسی به اطلاعات آزاد باشند و در جهت حفظ منابع محیط‌زیستی اطلاعات مربوطه را در اختیار داشته باشند. این مهم از طریق کمک‌های فنی کشورهای توسعه‌یافته صورت می‌پذیرد.

5-3. راهبرد سوم: اتخاذ دیدگاه‌های جدید در تنظیم معاهده

کشورها می‌توانند با هر دیدگاه و موضع در کنفرانس‌های بین‌المللی در تمامی موضوعاتی که کاملاً قابل حل هستند شرکت می‌کنند. شرکت کشورها نشان از اهتمام و جدیت در کار دارد. دولت‌ها نیز بایستی به عنوان وکلای مردم خود به صورت مستمر در این نشست‌ها شرکت کنند و در تصمیم‌سازی‌های مؤثر سهم بگیرند. همین حضور کشورها می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی را در خصوص روند شکل‌گیری معاهدات ایجاد کند و به تکوین روند دیپلماسی کمک شایانی بنماید.

5-4. راهبرد چهارم: جایگاه قانونی برای منافع غیر دولتی

وجود سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد مدنی و حضور چشمگیر آنها در روند کنفرانس‌های بین‌المللی زیست محیطی و پررنگ جلوه کردن آنها در مسیر دیپلماسی محیط زیستی این مسئله را گوشزد می‌نماید که بایستی نقش قانونی برای آنها قائل شد. سازمان‌های غیر دولتی سهم عمدتاً مهمی در ایجاد معاهده در طول 20 سال اخیر داشته‌اند.

5-5. راهبرد پنجم: دسته‌بندی کردن مجدد کشورها بر اساس وضعیت و فعالیت تعیین شده

به نظر می‌رسد بایستی کشورها بر اساس میزان درگیری با مخاطرات زیست محیطی، وجود منابع و توانایی‌های موجود که بر اساس آن بایستی پاسخگو باشند، دسته‌بندی شوند. معیارهای متفاوتی از مسئولیت‌پذیری یا اجرا برای دسته‌بندی‌های متفاوتی از کشورها در تمامی معاهده‌های زیست محیطی باید مشخص شوند. علت این مسئله جلوگیری از عدم تداخل مواضع حاکمیتی کشورهای مختلف است.

5-6. راهبرد ششم: تقویت کردن حفظ تعادل بهتر بین علم و سیاست

تمامی ملت‌ها باید به استحکام مشارکت در سازمان‌های علمی بین‌المللی کمک کنند؛ زیرا آنها تلاش بسیاری در خصوص تحلیل‌های قابل‌باور دارند. در این راستا یک تعامل انبساطی بایستی مابین علم و سیاست ایجاد گردد تا یافته‌ها و تحلیل‌ها حاصله نشئت گرفته از یک باور کاملاً علمی در بستر سیاست تکامل یافته باشد. این مهم شکل جدی به خود نخواهد گرفت مگر آنکه استانداردهایی مد نظر باشد و یا به عبارتی دیگر در بستری قانونمند انجام پذیرد.

5-7. راهبرد هفتم: تقویت پیوند مسئله

در پرتو این راهکار با وجود منافع کشورهای مختلف در مذاکرات و تأمین اهداف آنها، بایستی روند کار رو به جلو باشد تا مبادا گسستی در این خصوص به وجود آید. غیرطبیعی نخواهد بود اگر کشورهایی با چشم داشت مالی به پای میز مذاکرات بیایند و انتظار کمک داشته باشند. به هر ترتیب به دلیل حجم معاهدات و سختی کار بایستی مشوق‌هایی وجود

داشته باشد تا روند دیپلماسی دچار خلل نگردد. همچنین بایستی سیاستی اتخاذ گردد تا مرحله اجرای معاهدات نیز با مشوق‌هایی همراه باشد. در این حالت است که دیپلماسی موفق شکل می‌گیرد.

8-5. راهبرد هشتم: کنار گذاشتن مجازات برای فعالیت یکجانبه سازنده

برخی کشورها از اجرای ملی نظامات زیست‌محیطی به دلیل به سرانجام نرسیدن توافقات بین‌المللی سر باز می‌زنند و اجرای این مهم را به بعد از امضای معاهدات موکول می‌نمایند. دلیل این کشورها همانا عدم هماهنگی در اجرای این نظامات توسط کشورها و ضررهای رقابتی می‌باشد. البته حاکمیت‌ها این مسئله را بعضاً مغایرت با حاکمیت ملی تلقی کرده و زمان بعد از امضای معاهده و شرایط پیرامون را مناط اعتبار قرار می‌دهند. به هر ترتیب بایستی این نگرانی‌ها مرتفع گردد و کشورها احساس نکنند اجرای زودتر از موعد نظامات زیست‌محیطی به ضرر آنهاست و کشورها بایستی این را بدانند که هزینه برای کشوری که در دور اول اجرای قانون است، معمولاً کمتر از هزینه تلاش‌های بعدی است که می‌خواهند به درجات بالای کیفیت زیست‌محیطی برسند (Marcus 1980: 267).

9-5. راهبرد نهم: تشویق رسانه‌ها در اجرای نقشی سازنده‌تر

این رسانه عظیم دو نقش برای اجرا دارد: گزارش وقایع و تربیت مردم. بخش بسیار مهمی که نقش دیپلماسی محیط زیست در روابط بین‌الملل را بیان می‌کند و رسانه باید فضا و زمان اضافی برای خبرهای زیست‌محیطی فراهم کند، که هر دو در پیش بینی کردن وقایع پیش رو و پوشش مذاکرات در حال پیشرفت است. پوشش جهانی اجلاس سران زمین، اجلاس سران ژوهانسبورگ و ریو 20+ مؤثر بود، اما بعد از اتمام وقایع اندک رسانه‌هایی هستند که مشکلات جدی که امضاکننده‌ها در اجرای شروط مبهم معاهده‌ها که در چنین اجلاس‌هایی امضا کرده‌اند و با آن مواجه می‌شوند را پوشش دهند. چندین دلیل وجود دارد که مباحث جهانی زیست‌محیطی در خیلی از بخش‌های دنیا گزارش داده نمی‌شوند. اول، خروجی خیلی از رسانه‌ها ظرفیت گزارش دادن چنین وقایعی را ندارد. تعداد اندکی از روزنامه نگاران صلاحیت دار برای قابل مفهوم کردن چنین مباحث پیچیده‌ای فرستاده می‌شوند. دوم، مأموریت رسانه‌ها اغلب محدود است. آنها مسئولیت گزارش دادن وقایع را می‌پذیرند، اما نه

برای تربیت عموم. البته اگر عموم از اهمیت معاهدات جهانی زیست محیطی و مذاکرات اطلاعاتی نداشته باشند، برای پوشش چنین اخباری تقاضایی نمی‌کنند. در غیاب چنین درخواستی، رسانه‌ها هم بیان می‌کنند که مردم علاقه‌ای به این اخبار ندارند. در همین راستا بایستی شبکه‌ای جهانی از سازمان‌های علمی و نهادهای آکادمیک باید مسئولیت ساخت بانک اطلاعاتی زیست محیطی را بر عهده بگیرند که رسانه‌ها به صورت الکتریکی در هر کجای این دنیا باشد از آن استفاده کند (Susskind, 2015: 176).

10-5. راهبرد دهم: تلاش برای صلح

از آنجایی که تلاش‌های اصلاحی در درجات خیلی پایین مورد توجه است، به نظر می‌رسد بایستی مزایای ارزشمند دیپلماسی محیط زیست را مورد توجه قرار دهیم. پایه و اساس تحقق دیپلماسی محیط زیست همانا مشارکت جهانی در پرتو تعاملات بین‌المللی است. این فرآیند در صورت تحقق قطعاً به ارمغان آورنده صلح جهانی است. به هر ترتیب آماده‌سازی زمینه مسائل محیط زیستی در ایجاد صلح بایستی به روشی تکاملی مورد توجه قرار گیرد که در هر شرایطی اهمیت آن احساس گردد. از این رو بایستی در جهت مقابله با تهدیدات محیط زیستی در پرتو دیپلماسی محیط زیست نکات ذیل را از نظر دور نداشت:

- الف) توسعه اطلاعات مشترک بر پایه تهدیدات رایج محیط زیست؛
- ب) تشخیص ضرورت همکاری در کم کردن تهدیدات؛
- ت) ارتباطی شناختی و اعتمادسازی از طرف نخستین همکاری محیط زیستی
- ج) تعاملات ادامه دار بر سر زمان به علت اهمیت محیط زیست؛
- چ) توضیح برداشت‌های اشتباه و محدود ساختن درگیری‌های ارتباطی؛
- ح) گسترش همکاری و برآیند ایجاد صلح.

اهمیت دادن به منابع محیط زیست و رشد درک مسائل محیط زیستی نیازمند یکی کردن راه‌حل‌ها از طریق مرزها دارد و احتمال این می‌رود که برای بهره‌مندی از منابع درگیری افزایش یابد. مثلاً منابع آب که در چارچوب معاهدات مرزی مشخص گردیده و نمونه بارز آن ایران و افغانستان در خصوص مسئله هیرمند با جدال‌های مداوم بین دو کشور بر سر پروژه‌های مدیریت آب امتحان شده است، اما هیچ وقت به توافق مدیریتی

بوم‌شناختی نرسیده است. هر چند مذاکرات به صورت ساختاری بر روی تقسیم منابع آب تا راه‌حل‌های کارآمد انجام پذیرفته، اما نقطه تمرکز بر روی مسائل محیط زیستی کم بوده است. به هر ترتیب تعامل، اصلی‌ترین مسئله در جهت رفع اختلاف و ابزاری جدی در جهت بروز اختلافات می‌باشد (پورهاشمی و دیگران، 1394: 7).

11-5. راهبرد یازدهم: رسیدن به توسعه پایدار

در واقع، رسیدن به توسعه‌ای سریع و به دست آوردن شاخص‌های مهم محیط زیستی، نیاز به در پیش گرفتن سیاست‌های فرامنطقه‌ای و ادغام جوامع بین‌المللی دارد. دلایلی که برای اولویت این مسئله امروزه در جهان مطرح است عبارتند از:

1. توسعه محیط زیست با تقاضای شدید استفاده از آن همراه است و عملاً بیشترین این تقاضا مربوط به استفاده بیشتر منابع در جهان است. بنابراین پیش‌بینی می‌شود در چندین سال اخیر بارون‌دی که در استفاده از محیط زیست مطرح شده و وجود دارد منابع از بین برود و در جهان با مسئله تخریب مواجه شویم. متقابلاً تمامی کشورها با نابودی و زوال و ماشین‌های روبرو هستند و اگر به مسئله حفاظت از محیط زیست توجه نشود به زودی زود دیگر محیط زیست (منابع طبیعی) وجود نخواهد داشت.

2. برای توسعه به گونه‌ای مسئله حفاظت در آن مورد توجه قرار گیرد، تمامی جوامع بین‌المللی به فناوری‌های مدرن نیاز دارند و با توجه به بی‌اعتمادی که بین جوامع بین‌المللی (جهان اول، جهان سوم) وجود دارد، نمی‌توانند کشورها در این راه به هم اتکا کنند، بنابراین تمامی کشورها باید به روابط دوستانه و رو به توسعه در زمینه حفاظت از محیط‌زیست توجه خاصی مبذول بدارند. امروزه بسیاری از کشورهای ناتوان می‌توانند با توجه به مسائل حقوقی که در جهان در زمینه محیط زیست مطرح است برای دستیابی به فناوری سبز (پاک) و جلوگیری از تخریب محیط زیست با کشورهای ابرقدرت در زمینه محیط‌زیست معاهداتی را به امضا برسانند و با هم وحدت و یکپارچگی داشته باشند تا جلوی تخریب گرفته شود.

3. مسئله محیط زیست می‌تواند همانند پلی بین جوامع بین‌المللی باشد که در این میان همگرایی بین‌المللی نقش مهم و عمده‌ای را می‌تواند داشته باشد و کشورها با وحدت و همکاری می‌توانند مانع از بین رفتن زمین شوند.

4. در نگاه کلان، نگاه به حفاظت از محیط زیست می‌تواند این فرصت را برای جوامع بین‌المللی فراهم آورد تا قادر باشند یک تعادلی در روابط خارجی خود فراهم آورند و قدرت مانور کشورها را در برخورد با پدیده‌های محیط زیستی برای هم افزایش دهند. در واقع باید یادآور شد، یکی از اهداف مهم در این اولویت‌بندی‌ها، ایجاد نوعی تعادل در روابط بین‌المللی و متنوع‌سازی و استفاده صحیح از محیط زیست است و واضح است که نگاه به مسئله حفاظت و همگرایی بین‌المللی در عین اهمیت به آن، به معنی بی‌توجهی به بقیه کشورهای ناتوان نیست چرا که به‌طور قطع، ایجاد روابط بین کشورها باید به وجود آمدن فناوری‌های مدرن و پاک در تمامی جوامع است و این همگرایی باید به گونه‌ای باشد که تمامی جهان بتوانند در این مورد به‌صورت واحد و یکپارچه عمل کرده و از فناوری‌های موجود بهره ببرند.

5-12. راهبرد دوازدهم: تحکیم ساختار و تشکیلات

- ایجاد و تشکیل کمیته‌های ملی دیپلماسی محیط زیست در کشورهای شمال و جنوب و ایجاد شورای هماهنگی منطقه‌ای با ساختار و ترکیب مشخص به‌منظور همگرایی و اتخاذ سیاست هماهنگ در خصوص مسائل محیط زیست و تعاملات مثبت در این خصوص.
- تقویت ساختارهای موجود بین‌المللی و جهانی نظیر یونپ و توسعه و بسط چارچوب دیپلماسی بین‌المللی محیط زیست از این طریق در جهت تحقق ساختار جدید سازمان محیط زیست جهانی.
- ایجاد و تشکیل ساختار بین‌المللی در سطح کشورهای اسلامی و اتحادیه‌های آسیایی - آفریقایی.
- فعال‌سازی سازمان‌های منطقه‌ای نظیر راپمی به‌منظور هدفمندسازی و تحقق دیپلماسی محیط زیست خلیج فارس و همانندسازی در خصوص دیپلماسی خزر.

5-13. راهبرد سیزدهم: راهکار حقوقی

- تدوین یک دستورالعمل جامع جهت مدیریت دیپلماسی بین‌المللی محیط زیست.
- تعیین ضوابط و معیارهای بین‌المللی از طریق مراجعه به آیین‌های اجرای معاهدات

بین‌المللی.

- تعیین ضوابط از طریق بکارگیری استانداردهای تعادلی، فن آوری و بهداشتی زیست محیطی (کریمی، 1391: 35).
- وجود ضمانت اجرای معاهده‌ای در خصوص ناقضان مسئولیت بین‌المللی محیط‌زیستی.

5-14. راهبرد چهاردهم: راهکارهای عمومی

- آگاهی‌رسانی و مشارکت عمومی به‌ویژه از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد که نقش اثر بخشی در توسعه دیپلماسی محیط زیست داشته‌اند.
- گسترش و توسعه آموزش و پژوهش‌های کاربردی در خصوص دیپلماسی محیط‌زیست از طریق بررسی دیپلماسی‌های موفق و ناموفق در کشورهای مختلف.
- استفاده و بهره‌گیری از تجربیات کشورهای مختلف از طریق نمایندگان کشورهای حاضر در اجلاس‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی.
- حمایت مادی کشورهای دارای منابع مالی قوی به‌خصوص کشورهای شمال در جهت حفاظت از محیط زیست در پرتو دیپلماسی بین‌المللی محیط زیست.

5-15. راهبرد پانزدهم: نگاه به امروز، نگاه به آینده

امروز، نگاه ما بر محوریت تعامل و همگرایی است چرا که هنوز همدلی جهانی ایجاد نگردیده و این مهم محصول نگاه منفعت‌گرایانه است که توسعه‌ای نامطلوب در پیش روی ما گذاشته است. هر چند نگاه امروز در پرتو انسجام حضور بازیگران بین‌المللی در عرصه تصمیم‌سازی‌های محیط زیستی دنبال می‌گردد و این مهم در بستر کنفرانس‌های بین‌المللی زیست‌محیطی نمود پیدا می‌کند که نتیجه آن معاهدات بین‌المللی است که شکل‌گیری آن مدیون دیپلماسی محیط زیست است. اما نگاه به آینده افزون بر نگاه امروز است آن‌گونه که پایداری در تمام سطوح خواسته جامعه بین‌المللی است. پایداری در دیپلماسی سبز همگام با تعاملات بین‌المللی در نیل به سوی صلح جهانی پایدار مقصود ماست.

6. چارچوب ملی

نظام جهانی در سیر تحول خود نیازمند تعامل بشریت هست و این تعامل همانا روابط

بین‌المللی است که بر پایه دیپلماسی شکل اساسی به خود می‌گیرد. در این فرآیند دیپلماسی هدفمند می‌تواند ضامن بقای جامعه انسانی و حیات بشری با حفظ منافع مشترک با امعان نظر به پایبندی به تعهدات بین‌المللی و رعایت قواعد آمره باشد. دیپلماسی چه در حالت عمومی (با نگرش ملی) و چه در حالت رسمی (با نگرش بین‌المللی) بایستی هدفمند عمل کند. این هدفمندی تا آنجایی به پیش می‌رود که ثبات و صلح جهانی را در پی داشته باشد (طیبه و اسماعیلی فرد، 1394: 152). دیپلماسی محیط زیست یک روند کاملاً جدی و بر مدار صلح و حقوق نرم قابلیت حرکت دارد. این روند وظیفه ملی¹ و بین‌المللی را به ما گوشزد می‌کند. دیپلماسی محیط زیست تقریباً همیشه اولویت دوم، و یا حتی سومین، هدف از سیاست خارجی دول مختلف بوده است. دیپلماسی محیط زیست نبایستی بدون اولویت باقی بماند و در نهایت، باید اذعان کرد که فقط برای حفظ حیات زیست کره، دیپلماسی وجود دارد (طیبه، 1392: 1).

به نظر می‌رسد از منظر ملی اگر بخواهیم الگوی دیپلماسی محیط زیست را تشریح نماییم بایستی ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مد نظر قرار گیرد. در این راستا به لحاظ ملی بایستی ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین بعد حقوقی مورد توجه واقع گردد. در واقع می‌توان گفت سیاست‌گذاری عمومی می‌تواند در حوزه دیپلماسی محیط زیست راهگشا باشد.

1. سازمان حفاظت از محیط زیست کشور ما که سکاندار کشتی سبز است بایستی در یک اقدام مؤثر نسبت به دیپلماسی محیط زیست سازگاری غیر نمادین و واقعی تدبیر نماید و هر چه سریعتر کمیته ملی دیپلماسی محیط زیست را بنیان نهد. در واقع این تدبیر با ابلاغ سیاست‌های کلی محیط زیست توسط رهبر معظم انقلاب چهره عملی پیدا نماید. در واقع ابلاغ این سیاست بر اساس بند یک اصل 110 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده و یک اقدام ارزشمند تلقی می‌گردد. در این راستا در بند 15 این ابلاغ بیان گردیده: «تقویت دیپلماسی محیط زیست با:

- 15-1. تلاش برای ایجاد و تقویت نهادهای منطقه‌ای برای مقابله با گرد و غبار و آلودگی‌های آبی.
 - 15-2. توسعه مناسبات و جلب مشارکت و همکاری‌های هدفمند و تأثیرگذار دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه محیط زیست.
 - 15-3. بهره‌گیری مؤثر از فرصت‌ها و مشوق‌های بین‌المللی در حرکت به سوی اقتصاد کم‌کربن و تسهیل انتقال و توسعه فناوری‌ها و نوآوری‌های مرتبط». (سازمان حفاظت محیط زیست، 1394، 1)
- به هر ترتیب فرمایشات مقام معظم رهبری در زمره بالاترین درجه کارشناسی و فقهی و از سر یک شناخت حقیقی و عمقی از وضعیت زیست بوم کشور و وضعیت محیط زیست و منابع طبیعی کشور و همچنین براساس رصد فعالیت‌های انجام شده توسط سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالیت‌های انجام شده توسط سازمان حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی و شهرداری‌ها بوده است. (توتونچی، 1394، 1) با این وصف وضعیت محیط زیست کشور ما و موقعیت استراتژیک ایران می‌طلبد که کمیته ملی دیپلماسی وجود خارجی پیدا کند و این مسئله‌ای بسیار پر اهمیت است.

جدول 2. سیاست و محیط زیست

علم	محیط زیست	آمار و اطلاعات، فناوری، پژوهش‌های بنیادین، ارزیابی، آمایش	حفاظت محیط زیست به روش علمی
سیاست	محیط زیست	ملاحظات انتخاباتی، فشار گروه‌های ذینفع، عدم اطمینان	حفاظت محیط زیست به روش سیاسی
دموکراسی	محیط زیست	آزمایشگاه دموکراسی، نقش شهروندی، ثبات حاکمیتی، تقلی حاکمیتی	حفاظت محیط زیست و شهروندی
دیپلماسی	محیط زیست	مذاکره، تعامل، همکاری	حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار

(طیعی، 1395: 187)

همچنین نگاه ویژه به استانداردهای زیست‌محیطی از جمله مقررات گذاری زیست‌محیطی و ارزش گذاری زیست‌محیطی را نایستی از نظر دور داشت.

جدول 3. رویکردهای زیست‌محیطی

سیاست	سیاست‌گذاری عمومی و رسمی محیط زیستی
امنیت	چارچوب‌گذاری ملی و بین‌المللی محیط زیستی
اقتصاد	ارزش‌گذاری محیط زیستی
فرهنگ	تأثیرگذاری اجتماعی محیط زیستی
حقوق	مقررات‌گذاری محیط زیستی
بهداشت و سلامت	ایمن‌سازی محیط زیستی

(طیعی، 1395: 189)

به لحاظ منطقه‌ای بایستی دیپلماسی محیط زیست را در خصوص خلیج فارس، دریاچه خزر و اروند رود و همچنین تالاب هامون و محیط زیست منطقه فعال کنیم. در همین راستا بایستی میزان پایبندی به تعهدات بین‌المللی زیست‌محیطی کشورمان را تبیین نماییم. حال اینکه به نظر می‌رسد دیپلماسی محیط زیست در کشور ما صد در صد موفق عمل نکرده باشد اما ما بایستی از این ابزار بسیار مهم برای پیشبرد اهداف حفاظتی و حمایتی از محیط زیست بهره‌مند شویم.

7. نتیجه‌گیری

هنوز درک صحیحی از دیپلماسی محیط زیست در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد

و این مسئله همواره گام‌های توسعه را دچار اختلال کرده است. تحقق توسعه و تصور پایداری بنای غلطی است که همیشه گریبانگیر کشورهای جنوب بوده است. طرز تلقی ما از تحولات کلی نگر و بخشی نگر در حقوق بین‌الملل توسعه پایدار کماکان با مشکل روبه‌روست اما این مسائل مانع از توجه اکید ما به حاکمیت زیست محیطی نیست. به واقع دیپلماسی محیط زیست همواره ثبات بخشنده مواضع بازیگران بین‌المللی با حفظ روش و منش دیپلماتیک در جریان کنفرانس‌های بین‌المللی با حفظ موقعیت و پایبندی به اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط زیست است. به هر حال دیپلماسی محیط زیست در واقع روایت درک ژئوپلیتیکی از مذاکرات توافقنامه‌های بین‌المللی زیست محیطی است که زمینه مساعد جهت هدایت و روشن ساختن بهبود سیستم فعلی را فراهم می‌کند.

اگر چه موافقتنامه‌های بین‌المللی زیست محیطی به صورت تصاعدی در پنج دهه گذشته افزایش یافته است، با این حال تصمیم‌گیری در خصوص مسائل کلیدی مانند از دست رفتن تنوع زیستی، تغییرات اقلیمی، تخریب لایه ازن، حمل و نقل زباله‌های خطرناک و دیگر چالش‌های سیاره‌ای، نیازمند پایبندی کشورها به هنجارهای بین‌المللی است. در این راستا همچنین باید بیندیشیم که موفقیت‌ها و شکست‌هایی در خصوص ساختار معاهدات زیست محیطی وجود داشته است و نقش جامعه مدنی و جوامع علمی در جهت فرایند رشد و بلوغ این ساختارها مؤثر بوده است. به هر ترتیب دیپلماسی محیط زیست چارچوب مؤثری برای حفاظت محیط زیست و ابزاری کارآمد برای دغدغه‌مند ساختن اذهان جامعه جهانی در خصوص مخاطرات زیست محیطی و همچنین راهبردی برای به درک رساندن بازیگران بین‌المللی از اهمیت ژئوپلیتیکی زیست کره و حفاظت آن می‌باشد. از منظر ملی، به نظر می‌رسد پس از ابلاغ سیاست‌های زیست محیطی نظام نیز سازمان محیط زیست و وزارت امور خارجه بایستی یک کمیته ملی مشترک دیپلماسی محیط زیست ایجاد نمایند و این مسئله می‌تواند با تمرکز ویژه بر مسئله محیط زیست تنش‌های زیست محیطی منطقه را کاهش دهد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

1. پورهایمی، سید عباس، سبحان طیبی و مهناز ضرابی (1394). چشم انداز وضعیت حقوقی «توسعه پایدار» محیط زیست بعد از سال 2015، فصلنامه علمی ترویجی آموزش محیط زیست، دانشگاه پیام نور تهران، در حال چاپ.
2. توتونچی، بابک (1394). تحلیل سیاست‌های محیط زیستی نظام، سایت انتخاب خبر، آذرماه، تاریخ بازدید 1395/5/14، به نشانی:
- <http://www.entekhab.ir/fa/news/239358/>
3. سازمان حفاظت محیط زیست (1394). ابلاغ سیاست‌های کلی محیط زیست توسط رهبر انقلاب، آذرماه، تاریخ بازدید 1395/5/14.
4. طیبی، سبحان (1392). دیپلماسی محیط زیست؛ نگرش‌های موجود در مورد حفاظت محیط زیست و حقوق بشر، وبلاگ دانشمندان حقوق ایران فردا به نشانی:
- <http://ehsantohid.blogfa.com>
5. طیبی، سبحان (1394). دیپلماسی محیط زیست و روند آن در توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست، اولین همایش ملی محیط زیست طبیعی، ج‌ها د دانشگاهی پژوهشکده محیط زیست، گیلان.
6. طیبی، سبحان (1395). دیپلماسی محیط زیست و تأثیر آن بر تعاملات بین‌المللی و صلح جهانی، رساله دکتری به راهنمایی دکتر سیدفضل اله موسوی و دکتر سید عباس پورهایمی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
7. طیبی، سبحان و مریم اسماعیلی فرد (1394). کاربست دیپلماسی دفاعی در مسیر پیشبرد دیپلماسی محیط زیستی، دوفصلنامه دیپلماسی دفاعی، مرکز مطالعات راهبردی دیپلماسی دفاعی، سال چهارم، بهار و تابستان.
8. کریمی، داریوش (1391). جزوه کلیات حقوق منابع طبیعی دوره دکتری گروه حقوق محیط زیست، دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
9. مجابی، سید محمد (1392). دیپلماسی جهانی و جایگاه محیط زیست، وبلاگ روزنوشت‌های سید محمد مجابی، به نشانی: <http://www.smojabi.blogfa.com/post-1608.aspx> تاریخ مراجعه 94/10/27.
10. ملکی اصل، پگاه (1393). تحول در تعهدات دولت‌ها ناشی از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در پرتو امنیت انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل به راهنمایی دکتر حسین شریفی طراز کوهی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

ب) منابع لاتین

1. Ivanova, Maria. (2012). Global Governance up the Twenty first Century: Rethinking the Environmental Pillar, London: the Stakeholder Forum, This publication provides a critique of the UNEP reform process.
2. Marcus, Alfred (1980) "Environmental Protection Agency," in The Politics of Regulation , New York: Basic Books.
3. Susskind, L. E., (1994) Environmental Diplomacy: Negotiating More Effective Environmental Agreements, Oxford University Press.
4. Susskind, L. E., Ali H Saleem, (2015) Environmental Diplomacy: Negotiating More Effective Environmental Agreements, Oxford University Press.
5. Vidal ,John (2012) " Many Treaties to save the Earth but Where's the will to implement them? The Guardian. June 7. Online at: www.Theguardian.com/environment/blog/jun/07/.

